



## فتح اندلس و پیامد حضور مسلمانان در اسپانیا

بسم الله مسعود

پوهنتون بدخشان، شهر، فیض آباد کشور افغانستان.

[besmellahmasoud@gmail.com](mailto:besmellahmasoud@gmail.com)

۰۰۰۹-۰۰۰۱-۰۱۴۳-۶۷۷۶

نویسنده

نشانه برقی

نشانی ارکاید

### چکیده

در واپسین سال‌های سده نخست هجری قمری، مقارن با دهه‌ی اول سده هشتم میلادی، فاتحان مسلمان دروازه‌های اندلس را به‌وسیله سردار لشکر تاجدار طارق بن زیاد گشودند، و این سرزمین مدت هشت قرن حکومت مسلمانان به‌مکانی برای شگوفایی تمدن اسلامی تبدیل شد. تمدن اسلامی که با مهیا کردن شرایط لازم برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ملت‌های مختلف و تساهل و تسامح فکری، جایگاه تجمع تمدن‌های هندی، رومی و خراسانی گردیده بود، اکنون به‌سرزمینی جدید با مختصات خاصی وارد شده بود. جاذبه‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی سبب شد مسیحان اندلس با وجود حفظ آیین خویش، به‌آداب و رسوم مسلمانان گرایش پیدا کنند. مسلمانان نیز با ایجاد فضای زندگی مسالمت‌آمیز، شرایط متناسبی را برای تعامل در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و کشاورزی فراهم کردند. این مقاله تحقیقی می‌کوشد تاثیرگذاری ارزش‌های اسلامی را در ایجاد تمدن مسلمان‌نشین اندلس در محورهای زیر مورد بررسی قرار دهد، نظام خانوادگی، دستاوردهای علمی، هنری، کشاورزی، صنعت، تجارت و غیره... مباحث اساسی توجه داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها:** مسیحیت، اسلام، اندلس، تمدن، فرهنگ، صنعت و کشاورزی.

## The conquest of Andalusia and the consequences of the presence of Muslims in Spain

Author  
E-Mail  
Orcid

**Besmellah Masoud**  
Badakhshan University Teacher  
[besmellahmasoudmasoud@gmail.com](mailto:besmellahmasoudmasoud@gmail.com)  
<http://orcid.org/0009-0001-0143-6776>

### Abstract

In the last years of the first century of Hijri, parallel to the first decade of the eighth century AD, the Muslim conquerors opened the gates of Andalusia by the commander of the Tajdar army, Tariq bin Ziyad, and this land became a place for the flourishing of Islamic civilization during eight centuries of Muslim rule. Islamic civilization, which had become the gathering place of Indian, Roman and Khorasani civilizations by providing the necessary conditions for the peaceful coexistence of different nations and intellectual tolerance, had now entered a new land with special coordinates. The attraction of Islamic culture and civilization caused Andalusian Christians. In spite of maintaining their religion, they tend to the customs of Muslims. By creating a peaceful living environment, Muslims also provided appropriate conditions for interaction in various religious, cultural, social, economic, scientific and agricultural fields. to examine the following, family system, scientific, artistic, agricultural, industry, trade, etc..)

**Keywords:** Christians, Muslims, Andalusia, Islamic civilization, science and agriculture.

## مقدمه

در طول هشت سده حضور مسلمانان در شبه جزیره ایبری، روابط میان مسلمانان، یهودیان و مسیحیان، به طور کلی طبیعی و صمیمانه بود. وضعیت حقوقی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی مسیحیان با پیمانی که بین رؤسای مسلمانان و مقامات مسیحی منعقد می‌گشت، شکل می‌گرفت. پذیرش قدرت برتر و اقتدار سیاسی اسلام از سوی مسیحیان باعث شد که آنان به قوانین اسلامی تن داده و به اوضاع اجتماعی خود رضایت بدهند. این هماهنگی سبب انطباق و انسجام فرهنگ‌ها در سراسر اندلس شد. دامنه‌ی متنوع تمدنی، در اسپانیای مسلمان و شرایط فرهنگی در اندلس، امکان یادگیری را در شاخه‌های مختلف علوم فراهم کرد که تبعات آن رشد و گسترش صنعت، تجارت و علم بود. برخورد مسیحیان با این دنیای پیش‌رو، زمینه‌های یک رشته مطالعات عربی - اسلامی را در شبه جزیره فراهم کرد که در قرن ششم و هفتم هجری (۱۲ و ۱۳ میلادی) از طریق سیسیل و اسپانیا به ایتالیا، فرانسه سرانجام به اروپای غربی انتقال یافت. یکی از مهم‌ترین عوامل این انتقال زبان بود، ابتدا برای فهم اسلام و سپس برای درک زمینه‌های تمدنی در جامعه‌ی مسلمان، آموختن یک زبان مشترک الزامی محسوب می‌شد. این زبان مشترک می‌توانست راهی برای دستیابی به متون علمی و فلسفی یونانی باشد که توسط مسلمانان به عربی ترجمه شده بود. امروز در کتاب‌خانه‌ها می‌توانیم هزاران سند پیدا کنیم که به دستاوردهای تمدن عربی - اسلامی در زمینه‌ی نجوم، ریاضیات، فزیک، شیمی، پزشکی، تاریخی و جغرافیا اشاره می‌کند، که در سایه‌ی ارتباط و هم‌زیستی مسلمانان و مسیحیان در اندلس به دست آمده است. علاوه بر آن، پیروان مسیح، موثرترین راه را برای مقابله با فرهنگ برتر و جلوگیری از گسترش اسلام را در مطالعه و شناخت ماهیت آن می‌دانستند. آنان با ایجاد یک ادبیات جدلی در پی آن بودند تا مسلمانان را به تغییر عقیده و قبول مسیحیت وادارند، بنابراین به لحاظ دینی هم رویکرد به مطالعات اسلامی برای مسیحیان ضروری قلمداد شد، از طرفی تجارت و بازرگانی در اقتصاد شهرهای اسلامی نقشی کلیدی داشت. رفت و آمد بازرگانان، راه‌اندازی خطوط دریای، بازارهای پروتق، انگیزه‌های شناخت شرق را فراهم ساخت.

## بیان مسأله :

در ادامه فتوحات اسلامی در اواخر خلافت اموی‌ها، سرزمین اسپانیا توسط تعدادی از مسلمانان فتح گردید، بحث این جاست که حضور مسلمانان در هشت قرن چه تأثیرات شگرفی در جوامع اسپانیا آورده بود. و دانستن و شناسایی این موارد اساسی برای جوامع اسلامی نیاز اساسی محسوب می‌شود، و نشان‌دهنده‌ی حقایق و اسلام خلاق که با اندیشه تحول در ابعاد گوناگون نذیر ایجاد تمدن با ویژگی‌ها آن، تحول در ادبیات، ریاضیات، نجوم، ساینس. از همه مهم‌تر شهرسازی و تحول در زراعت و معماری که ابداع کننده تمدن اندلس در هشت قرن تا کشف امریکا بود، نشان دهنده‌ی انگیزه برای زندگی با امکانات مادی و معنوی

و پذیرش تمام خوبی‌ها و دانستنی‌ها را برای بقیه جامعه اسلامی پیشکش می‌نماید و برای مسلمانان هر عصر درس خرد، دانایی و حکمت در راه پیمایش کسب و ایجاد تمدن به‌شمار می‌رود.

## سوالات تحقیق:

### سوال اصلی

۱. آیا حضور مسلمانان طی چندین سده در اسپانیا باعث تحولات گوناگون علمی و تمدنی گردید؟

### سوالات فرعی

۱. دستاوردهای مسلمین در بخش علوم، خاصاً علوم طبیعی چه بوده است؟
۲. تحولات کشاورزی و برداشت محصولات در اسپانیا بنا بر تلاش مسلمین بهبود یافت؟
۳. جوامع اسپانیا متأثر از فرهنگ مسلمانان شده بودند؟

### پیشینه‌ی تحقیق

دست آوردهای اندلس اسلامی به‌عنوان یکی از دستاوردهای تقابل شرق و غرب، همواره مورد پژوهش قرار گرفته است. این مورد که اولین برخورد تمدن شرق و غرب از چه زمانی آغاز شده است و کجا و چگونه به مطالعات اسلامی انجامید نیز مورد بحث قرار گرفته است.

- موتکومری وات، در کتاب (تأثیر اسلام در اروپا). تاریخ فتوح در اندلس را بیان کرده و به‌آغاز ترجمه متون در طلیطله پس از بازپس‌گیری آن از سوی مسیحیان توجه کرده است.
- گوستاولیون در کتاب (تاریخ تمدن اسلام و عرب) با ذکر دلایل بیان کرده است که انتشار علوم اسلامی در اروپا برخلاف نظریه‌ی تعدادی از تاریخ‌نگاران، به‌وسیله‌ی جنگ‌های صلیبی نبوده است، بل که پیشرفت علوم یونانی از اندلس آغاز شده و اندلس و صقلیه در انتقال علوم بیش‌ترین تأثیر را داشته‌اند.
- چارلز برنت یکی از محققان معاصر امریکایی است که صد عنوان مقاله و کتاب را در موضوع اندلس و انتقال علوم به اروپا برای خود ثبت کرده است. او از زنجیره‌ی محققانی است که به‌بازسازی و یافتن حلقه مفقوده تمدن اروپایی کمک کرده است و بر این باور است که برون رفت اروپا از قرن تاریکی نه تنها منحصر به‌خود اروپاییان نیست. او با تمرکز بر ریشه‌های آشکار علوم عربی و اسلامی در ترغیب تاریخ‌شناسان در بازنگری رنسانس تأثیر گذاشت.
- این تحقیق نشان‌گر این موضوع است که بیش‌تر از هفت قرن همزیستی مسلمانان و مسیحیان در اسپانیای اسلامی و رویارویی فرهنگ و تمدن آن‌ها، مسلمانان توانستند زمینه‌های را برای تشکیل تمدن اسلامی در اندلس مهیا سازند. اما امروزه جوامع اسلامی و بسیاری از منتقدین اسلام

و تمدن اسلامی، دستاوردهای تاریخی و تمدنی مسلمانان را نادیده می‌گیرند و تلاش می‌نمایند که با پوشانیدن حقایق تاریخی دست‌آورد مسلمانان. مسلمانان را ترویج‌کننده‌ی دهشت و تمدن‌ستیز معرفی نمایند. ما به‌عنوان خیره‌گان تاریخ رسالت خویش می‌دانیم آن‌چه بودیم و خواهیم بود را به معرفی بگریم.

### یافته‌های تحقیق:

#### نگاهی گذرا بر تاریخ اندلس از فتح تا سقوط (۹۲ق-۸۹۷ق - ۷۱۱م-۱۴۹۲م)

اسپانیا در سال ۹۲ق/۷۱۱م در پی شکست رودریک، پادشاه ویزگوتی از سپاه مسلمانان با فرماندهی طارق بن زیاد به تصرف مسلمانان درآمد. و به مدت هشت قرن، عرصه‌ی حکمرانی آنان گردید، تاریخ اندلس از فتح تا خروج مسلمانان، شش دوره حکمرانی را پشت سر نهاد که به شرح ذیل است. (محمد، ۱۳۶۹: ۳۴). عصر والیان (۹۲ق/۱۳۸ق) از فتح اسپانیا تا روی کار آمدن امویان اندلس، والیان چون عبدالعزیز بن موسی، سمح خولانی و عبدالرحمن غافقی از جانب خلافت اموی شام، اندلس را اداره می‌کردند. دوره‌ی امویان اندلس (۱۳۸ق-۴۲۲ق) با قدرت‌یابی آل عباس و انقراض امویان شام، عبدالرحمن بن معاویه، یکی از بازماندگان تسویه حساب خونین عباسیان با خاندان اموی به مغرب گریخت و در اندلس حکومت امویان اندلس را بنیان نهاد. عصر ملوک الطوائفی (۴۲۲ق-۴۷۹ق) شامل شماری از دولت‌های کوچک و کم‌دوام بود. این دولت‌ها با وجود بنیان متزلزل سیاسی - نظامی وضع روحیه‌ی دینی و میهنی از میراث مادی - مدنی قوی برخوردار بودن. دوره‌ی مرابطون (۴۷۹ق-۵۴۳ق) امرای طوایف در برابر حمله‌های پادشاه قشتاله از حاکم مرابطی مراکش، یوسف تاشقین یاری خواستند، یوسف پس از شکست آلفونسو، با آگاهی از ضعف ملوک الطوائف، شرایط برابری سیطره بر اندلس مناسب دید. بنابراین حکومت آنان را ساقط کرد و اندلس را به قلمرو مراطین اضافه کرد. دوره‌ی موحدون (۵۴۳ق-۶۳۲ق) ابن تومرت مؤسس این دولت با تسلط بر مرابطون، حکومت موحدون را تاسیس کرده، این دوره مقارن با فعالیت‌های مسیحیان برای بازپس‌گیری اسپانیا بود.

حکومت خاندان بنی نصر (۶۳۲ق-۸۹۷ق) با برچیده شدن بساط موحدون، محمد بن بنی نصر (ابن احمر) دولتی در غرناطه بنیان نهاد که بیش از دو قرن ونیم، تا غروب اسلام در اندلس پا برجای بود. این دولت که از نخستین روز تاسیس همواره با تهدید پادشاه قشتاله مواجه بود به دلیل اختلاف‌های داخلی تضعیف شد و در نهایت با اتحاد و ازدواج ایزابلا، ملکه قشتاله و فردیناند، پادشاه آراگون سقوط کرد. پس از آن، شرایط دشوار و رنج‌آور زندگی مسلمانان سبب بروز انقلاب بزرگی در سال ۹۷۶ق/۱۵۶۸م گردید که اخراج کلی مسلمانان از اندلس و مصادره اموال ایشان را در پی داشت. با خروج مسلمانان از اسپانیا، فروغ تمدنی که به مدت هشت قرن، تابش آن اروپایی قرون وسطا را به اعجاب برانگیخت به خاموشی گرایید. (موتگمری، ۱۳۵۹: ۱۱۲).

## تعاملات اجتماعی مسلمانان و مسیحیان:

فتح اسلامی اندلس، سرآغاز دوران تازه‌ای از تحول و تکامل در نظام اجتماعی این سرزمین بود، زیرا در زمان گوت‌ها مردم اسپانیا تحت حکومت اقلیتی متشکل از اشراف غیر مذهبی و اشراف کلیسایی مجبور بودند رفتار پر نخوت و مفاهیم اخلاقی و اعتقادی این اقلیت را که هیچ سختی با آداب و رسوم اجدادی ایشان نداشت، تحمل کنند. اسلام در چنین وضعیتی به اسپانیا وارد شد. مسلمانان با همراه داشتن پیام هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان مذاهب و اقوام مختلف و خودداری از انهدام مظاهر، فرهنگ و تمدن گذشته این سرزمین، زمینه را برای شگوفایی تمدن عربی و - اسلامی آماده ساختند، در این جریان، شاهد تعاملات اجتماعی میان مسیحیان و مسلمانان هستیم. (مونتگمری، ۱۳۵۹: ۱۱۱).

## پیامد حضور مسلمانان در اندلس در اجرای آداب و رسوم مذهبی:

با تسلط اسلام در اسپانیا، یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در کنار هم با آزادی عقیده می‌زیستند. این هم‌زیستی به سبب تسامح اسلام نسبت به ملت‌های مغلوب بود. عبدالعزیز با عقد صلح نامه‌ی با حاکم ایالت مرسیه و ازدواج با اجیلون، بنیاد این هم‌زیستی را نهاد. سپس سمح خولانی از سوی عمر بن عبدالعزیز مأمور شد تا با مردم اندلس با مدارا و عدالت رفتار کند. پس از وی، عبدالرحمن غافقی عدالت را سرلوحه‌ی کار خود قرارداد. وی برای رفع تبعیض میان مسلمانان و مسیحیان، فرماندهان خطاکار را برکنار کرد و کلیساهای مسیحیان را به آن‌ها بازگرداند ولی کلیساهایی را که برخلاف قوانین و پیمان ساخته شده بود ویران کرد. در این ایام اسقف‌ها اجازه اجرای مجالس مذهبی داشتند و در اشبیلیه و قرطبه، مجالس تحقیق و بررسی دایر بود. از بناهای متعدد کلیسای در این دوره، می‌توان دریافت که مسلمانان دیانت اقوام مغلوب را محترم می‌شمردند و آنان را مجبور به پذیرش اسلام نکردند. اقلیت‌های مذهبی اندلس در انجام فرایض دینی آزاد بودند. آنان در کلیسا بر طبق رسوم پیشوایان مذهبی خود، مراسم مذهبی را اجرا می‌کردند و اگر کلیسایی نداشتند، عبادت‌گاهی در ضلع غربی یک مسجد می‌ساختند و ضلع شرقی مخصوص مسلمانان بود. تسامحی که مسلمانان نسبت به مسیحیان روا می‌داشتند سبب شد که در طول زمان، روش زندگی مستعربان شرقی شود، و حتی برخی به‌آیین اسلام درآمدند ولی بیش‌تر ایشان بر عقیده‌ی کاتولیکی باقی ماندند. علاقه و توجه‌ی آنان به زبان عربی باعث شد انجیل را به عربی ترجمه کنند. آزادی مردم اندلس در آداب و رسوم مذهبی از این نکته معلوم می‌شود که وقتی الفونس ششم، شهر تولدو را تصرف کرد، زن فرانسوی او با اطلاع از این که کشیشان مستعرب، نماز جماعت را به‌آیین و رسوم ویزیگوت‌ها که مدت‌ها قبل در کلیساهای اروپا متروک شده بود، انجام می‌دهند بسیار متعجب شد و دستور داد این شیوه را تغیر دهند. (گوستالبون، ۱۳۶۴: ۳۲۵).

تسامح و تساهل مسلمانان نسبت به مسیحیان، همیشه نتایج مثبت به همراه نداشت. بل که می توان از آن به عنوان یکی از علل سقوط مسلمانان یاد کرد، زیرا مسلمانان با دادن آزادی به مسیحیان، حکومت پاپ و روحانیون هرگونه بهانه را برای آزار و اذیت مخالفان از دست دادند و روحانیون مسیحی حس می کردند قدرت و حکومت بر اندیشه ی مردم را از دست داده اند. از این رو وقتی دوباره بر اسپانیا مسلط شدند، راه هرگونه تسامح و تساهل را بستند و مسلمانان را مجبور کردند تا بین پذیرش مسیحیت یا تبعید یکی را انتخاب کنند. با وجود این که مسلمانان، طبقه صنعتی و کشاورز جامعه را تشکیل می دادند و نبض حیات اجتماعی جامعه به وجود آنان وابسته بود ولی تحت فشار و محدودیت می زیستند. آنان را از انجام آداب و رسوم معمولی و روزانه مانند استحمام منع می کردند. دلیل نخستین قیام مسلمانان در سال ۹۰۴ق/۱۴۹۹م، بی حرمتی به دختری مسلمان بود. سرانجام به واسطه تنگناهای ایجاد شده، مسلمانان دست به شورش زدند و به حضور خویش در اسپانیا خاتمه دادند. (گوستالبون، ۱۳۶۴: ۳۲۸).

### نقش مهاجران در انتقال علوم به اندلس

فعالیت های آموزشی در اندلس در قالب آموزش قرآن، احادیث و احکام شرعی بود. بدیهی است که آموزش قرآن بیش از هر چیز برای تازه مسلمانان ضروری بود هم در امور عبادی و هم در احکام شرعی به کار برده می شد. یادگیری احادیث و سنت نبوی نیز از این نظر که دربرگیرنده سنت نبوی بودند اهمیت می یافت. با ورود این افراد اطلاعات علمی فراوانی در رشته های مختلف به اندلس راه پیدا می کرد، به عنوان مثال ورود ابوعلی قالی متوفی سال ۳۵۶ ه ق ادیب دانشمند بزرگ در آنجا تحول بزرگی در حوزه ادبیات پدید آورد. او در روزگار خلافت عبدالرحمن الناصر (۳۰۰-۳۵۰ ه.ق) به اندلس رفت و مورد توجه وی قرار گرفت. قالی کرسی تدریس مسجد جامع قرطبه را به دست گرفت و به زودی شاگردان بسیاری در حدیث و ادبیات عرب تربیت نمود. کتاب امالی او برآیند جلسات تدریس او در جامع قرطبه است. (رک همان، ۱۳۹۵: ۱۷۲). ثابت بن محمد جرجانی متوفی (۳۴۱ ه ق) نیز از عالمان ادبیات عرب و پیشگامان در علم منطق پس از ورود به اندلس به تدریس پرداخت و شرح کتاب الجمل نوشته زجاج را بر شاگردانش املا می کرد. (ضیبی، ۱۴۱۰: ۳۱۰).

درحوزه ی فقه زیاد بن عبدالرحمن لخمی متوفی سال ۲۹۹ هجری تاثیر بسیار و ماندگاری از خود برجای گذاشت. گفته شده است او برای نخستین بار فقه مالکی را به اندلس برد. اما به نظر می رسد این مکتب فقهی پیش از وی به وسیله یکی دیگر از مهاجران به نام غازی بن قیس متوفی قرن دوم هجری به اندلس راه یافته بود. غازی بن قیس در زمان امارت عبدالرحمن داخل اموی (۱۳۸-۱۷۲ ه.ق) با آوردن کتاب الموطا امام مالک بن انس متوفی ۱۷۹ هجری زمینه را برای رواج مذهب وی فراهم ساخت. جالب توجه است که امیر یاد شده از کار وی استقبال کرد. فقیهان اندلسی دیگر که بعدها به شرق سفر کردند سهم بیشتری

درفراگیر نمودن مذهب مالکی داشتند. ورود فقه مالکی به اندلس بزرگترین تحول در زمینه‌ی فقه اسلامی در این سرزمین به‌شمار می‌رود. پیش از آن، فقه اوزاعی رواج داشت که آن را یکی دیگر از مهاجران به‌نام صعصعه از اصحاب امام اوزاعی بود که از دمشق به اندلس هجرت کرد. (ضیی، ۱۴۱۰: ۴۱۸).

به‌همین گونه در علوم دیگر مانند علم قراءت، ابوالحسن علی بن محمد انطاکی متوفی سال ۳۷۷ هجری ابواب مختلفی را روی مردم گشود. او از علم قراءت، ادبیات عرب، علم حساب و فقه آگاهی داشت و کسان بسیاری در اندلس نزد او به‌قراءت و تعلم پرداختند، به‌گونه‌ای که در علم قراءت امام ایشان به‌شمار می‌رفت. هم‌چنین ابو زکریا عبدالرحیم تیمی از راویانی بود که شمار زیادی از اندلسیان روایات را از وی فرا گرفتند. (همان، ۱۴۱۰: ۶۴).

### پیامدهای مکتب ترجمه در اندلس:

آثار ترجمه شده در تولدو، مهم‌ترین بنیان‌های علمی و مطالعاتی را در خارج از اسپانیا، به‌ویژه دانشگاه‌های پاریس بولونیا (واقع در شمال ایتالیا) به‌وجود آورد. پس از سده سیزدهم، آثار مربوط به تفکرات ارسطویی، تصوف، نوافلاطونی و ابن رشد، در مباحث عمده دانشگاهی بالاترین نفوذ را داشتند. اساسی‌ترین موضوع این مباحث، حکمت بود. از طرفی کاربرد روش تجربی از سوی مسلمانان، پایه‌های برای توسعه‌ی علم مدرن و دست‌مایه‌ای برای اختراعات گالیه، کپرنک، کپلر و حتی نیوتن گردید. نفوذ ابن سینا در تفکرات فلسفی قرون وسطایی لاتین دارای چنان اهمیتی بود که ژیلسون، کلی حکمت مدرسی مسیحی جاری را مکتب اگوستینی - سینیوی می‌نامد. فلاسفه‌ای هم‌چون سنت اگوستین، سنت توماس اکویناس، سنت بوناوتوره، الخاندرو آلس و بسیاری دیگری از متفکران سده‌های میانی تحت تاثیر حکمت سینیوی بودند. رویکرد فلسفی و بسیاری از نظریه‌های منسوب به ابن سینا مانند فلسفه دین، نظریه حیثیت التفاتی، تمایز ماهیت از وجود، نظریه‌ی عوالم، اصل فردیت، نظریه‌ی عقل، براهین اثبات واجب الوجود، نظریه‌ی قدیم یا حادث بودن عالم و غیره، تقریباً به‌طور تمام‌عیار توسط فلاسفه آن زمان مورد بهره‌برداری قرار گرفت که سنگ‌بناهای برای شکل‌گیری نظام‌های بزرگ مدرسی در سده سیزدهم گردید. اگرچه کاربرد اندیشه ابن سینا توسط فلاسفه، گاهی منجر به بروز و ظهور نظریه‌های متعارض و ناهم‌ساز گردید. به‌عنوان مثال در مسأله‌ی مشهور تمایز ماهیت و وجود که سنت توماس اکویناس از ابن سینا تاثیر گرفته بود، اصل سینیوی برداشت شده این بود که وجود عارض بر ماهیت است. (ایراندیز، ۲۰۱۰: ۲۷۳).



دکترسوتیل با حمایت از خنثی بودن ماهیت‌های صرفاً ممکن که بودن و نبودن آن‌ها مساوی است، مفهوم طبیعت مشترک خود را از حکمت سینوی استنباط کرده است، اما باید خاطر نشان کرد که متفکران لاتین سده‌های میانی، با همه دانش و تقدس، فقط توانستند از عهده ترجمه لاتینی سده‌های میانی برآیند و در پیشبرد نظریه‌های ابن سینا کاری انجام ندادند بل که بیش‌تر در پی استفاده از اندیشه‌ی او برای تلاش‌های فلسفی - الهیاتی خود بودند. امروزه کسی منکر آن نیست که اسکولاستیک مسیحی در پایه‌ی متون اسلامی استوارگردید. در فلسفه، همانند علم، اندیشه اسلامی حلقه اتصال میان اندیشه عصر قدیم و اندیشه‌ی مدرن است، تا حدی که شهرت ابن سینا و ابن رشد در غرب بر شهرت آن‌ها در شرق بسیار تفوق دارد، اهمیت ابن سینا که به‌عنوان نقطه عطف تاریخ تفکر سده‌های میانی در نظر گرفته می‌شود، مبتنی برجامعیت آثاروست. کتاب شفای ابن سینا دایره المعارفی است که زمینه ساز نظامی علمی شد که سده‌ها دوام یافت (فونتیس، ۱۹۹۱: ۷۶).

### نتایج علمی حضور مسلمانان در اندلس:

در باره خدمات علمی مسلمانان اسپانیا پژوهش - های فراوانی شده ولی حضور اسلام در شبه جزیره‌ی ایبری یا چنان با عظمت بود که هنوز هم سزاوار آن است که به‌این موضوع پرداخته شود.

### علوم دینی:

یکی از بارزترین نمونه‌ها در زمینه‌ی علوم دینی، فقه اسلامی و سیر تطور آن در اندلس است. فقه اوزاعی ۸۸- ۱۵۰ ه.ق نخستین مکتب فقهی راه‌افته در اندلس را اسد بن عبدالرحمن سیّی غرناطی (قرن دوم هجری) راوی و شاگرد اوزاعی، به‌این سرزمین وارد کرد. پس از اسد بن عبدالرحمن غرناطی، صعصعه بن سلام شامی متوفی سال ۱۹۲ هجری مهم‌ترین مروج کننده‌ی این مکتب به‌شمار می‌رود. اندک بعد فقه مالکی تحت تأثیر ارتباط گسترده‌ی اندلسیان با سرزمین‌های شرقی به‌این سرزمین راه‌یافت و خیلی زود جای مکتب اوزاعی را گرفت. ابن شیطون از اولین مسافران به‌شرق با امام مالک بن انس دیدار نمود و متاب الموطای وی را گرفت. او پس از بازگشت به‌اندلس به‌تبلیغ مکتب مالکی پرداخت. شماری دیگری از دانشجویان اندلسی فقه مالکی را در شرق فراگرفتند و کار ابن شیطون را تکمیل کردند. ازجمله ایشان یحیی بن یحیی لثی بود که کتاب الموطای مالک بن انس را به‌طور مستقیم از خود وی گرفت و از فقیهان بزرگی مالکی در اندلس گردید درنیمه قرن سوم هجری نیز فقه شافعی را یکی دیگر از سفرکنندگان به‌اندلس برد. بقی بن مخلد قرطبی متوفی سال ۲۷۶ هجری از بزرگ‌ترین فقیهان و محدثان اندلس به‌شمار می‌رود که به‌هنگام بازگشت از شرق علاوه

برکتب متعدد در موضوعات مختلف از جمله تاریخ خلیفه بن خیاط تألیفات فقهی امام محمد بن ادریس شافعی را نیز به همراه برد. به همین گون، عباس بن ناصح در سفر به افریقیه در دیدار با برخی از شیعیان زیدی با اصول مذهب ایشان آشنا شد. بدین سبب، تشیع در اشکال مختلف خود به تدریج مورد توجه اندلسیان قرار گرفت. (همان، ۱۴۱۰: ۶۸۶).

### علوم غیر دینی :

در حوزه فلسفه عمرو بن عبدالرحمن کرمانی متوفی ۴۵۸ هجری منسوب به کرمونه از شهرهای شرق اندلس - می توان یاد کرد. وی پس از پایان تحصیلات خود در شرق رسایل اخوان الصفاء را، که پیش از آن اندلس ناشناخته بود، به این سرزمین وارد کرد. ابن ابی اصیبه، بی تا با انتشار این رسایل، سهم بزرگی در توسعه علوم فلسفی ایفا نمود. ابوالقاسم مجری طی متوفی سال ۳۹۸ هجری شیمیدان و فیلسوف نیز در ترویج این رسایل و معرفی آن‌ها در اندلس نقش بسیاری داشت. رسایل اخوان الصفا نمونه‌ی آثار فیثاغورسی و در واقع اولین مکتب فلسفی بود که به اندلس وارد شد در قرون بعدی آراء فلسفه بزرگ شرقی مانند فارابی و ابن سینا در اندلس رواج یافت و فلاسفه به‌رد و ایراد آن‌ها در اندلس پرداختند. ابن باجه متوفی ۵۳۳ هجری نماینده فلسفه منشاء در اندلس همانند فلاسفه دیگر اندلسی بیش از آن که به ابن سینا متمایل باشد شیفته فارابی بود. او در زمان حکم المستنصر اموی کلیه تألیفات فلسفی شرقی و اندلسی را گرد آورد. پس از وی ابن طفیل متوفی سال ۵۸۱ هجری و ابن رشد متوفی ۵۹۵ هجری نیز به نقد و شرح نظرات فارابی و ابن سینا پرداختند. (مقری، ۱۴۰۵: ۴۹).

### پزشکی:

پزشکی به‌عنوان یک نیاز همگانی قابل توجه حاکمان اندلس نیز بود، در این سرزمین بسیار پیشرفت نمود و پزشکان متبحر و تألیفات ارزنده‌ی در این باب پدید آمدند. تعیین زمان دقیق ظهور علوم پزشکی در اندلس ممکن نیست ولی می‌توان پنداشت که این دانش نیز با ورود مسلمانان به این سرزمین به‌طور گسترده به آن‌جا وارد گشت. اولین خبر در این باره مربوط به ابوابراهیم مذحجی طیب که همراه با عبدالرحمن داخل به اندلس آمد و روش‌های جدید پزشکی را که هنوز در اندلس رایج نبود به کار بست. طب اندلس در روزگار امویان، به‌ویژه در دوران خلیفه الناصر ۳۰۰-۳۵۰ هجری بسیار پیشرفت نمود و پزشکان فراوانی در این دوران ظهور کردند. راه یافتن تألیفات کتاب القانون اثر ابن سینا که در حدود قرن پنجم هجری در اندلس و به‌وسیله‌ی مسافران و آموزگاران که از سوی حکام اندلس مهاجرت علمی می‌کردند وارد شد. یکی از آثار دیگر تحصیل پزشکان اندلسی در شرق آشنایی آنان با مراکز درمانی و آموزشی بود. ظاهراً اولین بیمارستان‌های اندلس در دوران حکومت الناصر و المستنصر اموی برپا شدند. (عکاو، ۱۴۱۵: ۳۲۵)

### نجوم و ریاضیات:

در قرآن کریم آیات متعددی متضمن اشارات کلی به افلاک و نمودهای آسمانی است که آن‌ها انگیزه‌ی نیرومندی برای توجه مسلمانان به نجوم پدید آوردند. افزون بر این، اوقات نمازهای روزانه و تعیین جهت قبله نیز اهمیت این علم را برای آنان بیش‌تر آشکار ساخت. از این رو مسلمانان به علم نجوم عنایت خاصی کردند و در این رشته نوآوری‌ها و تألیفات قابل توجهی پدید آوردند. روی آوری اسپانیای اسلامی به علوم، متأخرتر از شرق اسلامی، و در پی ترجمه آن علوم به عربی در مراکز شرقی بود. در واقع از سده چهارم هجری/دهم میلادی بود که بازار این علوم و از جمله نجوم در این سرزمین رونق یافت. به نظر می‌آید نخستین گام برجسته در این زمینه را ابوالقاسم مسلم بن احمد مجریطی (۳۹۷هـ) برداشت. او به منظور سامان یافتن پژوهش‌های نجومی، مدرسه‌ای جهت آموزش و تحقیق مسائل نجومی بنا کرد. وی شرح مختصری راجع به جداول نجومی خوارزمی نوشت که در آن به تصحیح اشتباهات زیج وی پرداخت و با تغییراتی آن را برای نصف‌النهار قرطبه تنظیم کرد. مجریطی زیج بتانی را نیز خلاصه کرد و بر آن نام تعدیل الکواکب نهاد. او رساله‌ای در باب اسطرلاب تدوین کرد و کتابی نیز در مورد حساب معاملات نوشت. گفته شده نخستین بار مجریطی بود که رسایل اخوان الصفا را به جامعه اندلس معرفی کرد. پژوهش‌های او به دست شاگردش ابوالقاسم صغ بن محمد بن سمح معروف به ابن سمح (۴۲۶هـ) تداوم یافت. این ریاضی‌دان و منجم اسپانیایی نیز رسالاتی در زمینه‌های حساب معاملات، خواص اعداد، هندسه و اسطرلاب نگاشت که معروف به صفیحة الزرقالی (۴۸۰هـ) بود. او که بهترین راصد عصر خویش به‌شمار می‌رفت، بیش‌تر حیات خود را در شهر طلیطله - که در آن روزگار مرکز فرهنگی اسپانیا بود - سپری کرد. زرقالی اسطرلابی موسوم به صفیحة الزرقالیه ساخت که به زبان‌های لاتینی، کاستیلی، ایتالیایی و عربی ترجمه شد و بر دانش اروپایی نفوذ قابل توجهی داشت. او رساله‌ای هم با عنوان مقدمه‌ای در مثلثات تألیف کرد و در آن به شرح جدول‌های مثلثاتی پرداخت. هم‌چنین جدولی نجومی موسوم به زیج طلیطله را نیز تحریر کرد که جرارد کروموناوی آن را به لاتینی ترجمه کرد. (پاینده، ۱۳۷۹: ۸۹).

منجمان مسلمان اندلسی آثار متعددی در زمینه‌ی نجوم و ریاضیات تألیف کردند که هنوز برخی از آن‌ها در کتابخانه‌های اسکوریا و ملی مادرید شهر اسپانیا موجودند. آنان ابزارهای نجومی زیبا و دقیقی ساختند که اسطرلاب‌هایشان مدت‌ها مورد استفاده اروپاییان بود. همان‌گونه که بابلی‌ها از برج‌های معابد خویش اجرام آسمانی را رصد می‌کردند، مسلمانان نیز از مناره‌های مساجد به‌عنوان جایگاه‌هایی برای اهداف مشابه بهره می‌بردند. برای مثال آنان از مناره پیوسته به مسجد اشبیلیه یا همان برج جیرالدغلب اوقات به مشاهدات نجومی می‌پرداختند. در کار رصد اجرام آسمانی جابر بن افلح اشبیلی (۵۴۵هـ) دقت عمل و توانایی خاصی داشت. و برای مدتی نظارت بر فعالیت‌های راصدان بر عهده‌ی او بود. وی حدود نه اثر نجومی تألیف کرد که در آغاز همه‌ی آن‌ها به بحث درباره مثلثات کروی پرداخت؛ بدین‌سان این آثار علاوه بر نجوم در تاریخ مثلثات

نیز از جایگاه خاصی برخوردارند. از این رو بود که در همان ایام (سده ششم هجری) جرارد کرمونایی آن‌ها را به لاتینی برگرداند. (نجیب، ۱۹۷۶: ۲۲۵).

## کشاورزی:

مسلمانان اسپانیا به مطالعه علوم طبیعی به‌ویژه گیاه‌شناسی از خود علاقه‌ی وافری نشان می‌دادند. برخی از حکمرانان اندلس همانند عبدالرحمن دوم و عبدالرحمن سوم گاه عده‌ای را به شرق اسلامی می‌فرستادند تا انواع گیاهان را شناسایی کنند و گیاهان سودمند را به اسپانیا بیاورند. گیاه‌شناسان مسلمان گیاهان را هم به لحاظ ارزش دارویی و هم از نظر کشاورزی مورد توجه قرار می‌دادند. اغلب آنان از نیمه سده پنجم هجری/ یازدهم میلادی به بعد در اسپانیا و در شهرهای طلیطله، اشبیلیه و غرناطه خودنمایی کردند. در میان گیاه‌شناسان معروف اندلسی نام‌های ابن بصال، ابن وافد، ابن حجاج، الغرناطی و ابوالخیر اشبیلی به چشم می‌خورد که همه‌ی آنان تقریباً هم‌عصر بودند. ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن بصال در طلیطله در زمان حکومت مأمون، از امرای بنو ذوالنون، که در این شهر و حوالی آن حکم می‌راند، زندگی می‌کرد. او در باغی که مأمون در دره‌ی تاجه ایجاد کرده بود به‌عنوان گیاه‌شناس مشغول فعالیت پژوهشی و آموزشی در مورد گیاهان بود. حاصل کار ابن بصال در زمینه‌ی کشاورزی تدوین اثری برجسته با نام القصد و البیان بود که آن را به مأمون، حاکم طلیطله، اهدا کرد. این اثر با ترجمه اسپانیایی آن با همت خوزه‌ی ماریا و الیکروسا و محمد عظیمان در سال ۱۹۵۵ میلادی در تطوان منتشر شد. یکی دیگر از گیاه‌شناسانی که در این ایام در طلیطله می‌زیست و همچون ابن بصال در دستگاه مأمون خدمت می‌کرد. ابومطرف عبدالرحمان معروف به ابن وافر (۴۶۷هـ) بود. از دیگر گیاه‌شناسان بزرگ اندلسی ابو عبدالله محمد بن مالک (۴۸۰هـ)، از شاگردان ابن بصال است. او در دربار عبدالله بن بلکین بن بادیس، فرمانروای غرناطه، اشتغال داشت. از وی اثر بزرگی با عنوان زهارالبستان و نزه الازدهان بر جای مانده که مشتمل بر دوازده بخش و ۳۶۰ فصل بوده و نسخه‌ی اصلی آن در کتابخانه‌های رباط، تطوان و غرناطه موجود است. (ابن خطیب، ۲۰۰۱: ۳۹).

به نظر می‌آید شهر اشبیلیه در زمینه‌ی پژوهش‌های کشاورزی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بود؛ چنان‌که گیاه‌شناسانی همانند ابو عمر احمد مشهود به ابن حجاج و ابوالخیر - اشبیلی در این شهر در سده‌ی پنجم هجری به تحقیقات کشاورزی مشغول بودند، حاصل کار ابوالخیر تدوین کتابی با نام الفلاحه بود که در سال ۱۹۳۹ میلادی در شهر فاس منتشر شد. ابن حجاج نیز بر اساس ضایع یونانی و عربی در زمینه کشاورزی به تألیف اثری با عنوان - المقنع پرداخت. شاید بزرگترین گیاه‌شناس مسلمان اسپانیایی که نامش در اشبیلیه در اواخر سده‌ی ششم هجری در رشته کشاورزی بلند آوازه شد، ابو زکریا یحیی بن عوام معروف به ابن عوام باشد. وی نویسنده‌ی مهم‌ترین دائرةالمعارف کشاورزی مشهور به کتاب الفلاحه است. اصل عربی این اثر، که مشتمل بر ۳۵ باب بوده به همراه ترجمه آن به زبان اسپانیایی توسط خوزه‌ی آنتونیو بنکاری در ۱۸۰۲ میلادی

در مادرید انتشار یافت. بانکوری که در سده‌ی هجدهم میلادی به تصحیح کتاب الفلاحه پرداخته بود در مقدمه‌ی آن خاطر نشان می‌کند: شیوه‌ی کشاورزی که ابن‌عوام از آن‌ها سخن به میان آورده، هنوز چنان جدید به نظر می‌رسد که می‌توان از این فنون در جهت توسعه کشاورزی اسپانیا استفاده کرد. (ابن خطیب، ۲۰۰۱: ۶۴).

### نتیجه‌گیری

بدون شک اندلس دورترین سرزمین اسلامی بود که با فاصله بسیار زیادی با نواحی و مراکز اصلی علوم اسلامی داشت، ولی نگرش تربیتی و انگیزه اسلامی که مبتنی بر اخوت و برادری ایمانی بود مانع موارد می‌شد که حتی دورترین مملکت اسلامی به فقر علمی گرفتار آید. مسلمانان بنابر وظیفه ایمانی خود و در راستای تقویت بنیه جامعه اسلامی در این سرزمین مهاجرت می‌کردند و به نشر و اشاعه‌ی تعالیم اسلامی در آن همت می‌گماردند. به این ترتیب اولین گام‌های برای شکل‌گیری نظام آموزشی اسلامی در اندلس برداشته شد، طی این نوشتار در بالا اشاره گردید که چگونه ترجمه، تفسیر، تعلیم و آموزش در ابعاد مختلف بستر سازی نمود. اما تکمیل و تکامل این نظام نیازمند پشتوانه‌ی بیشتری بود که از طریق ارتباط دانشمندان تحصیل کرده اندلسی با مراکز علمی و آموزشی بلاد شرقی جهان اسلام میسر می‌گردید. دانشجویان اندلسی برای ادامه تحصیلات خود راهی مصر، عراق، سوریه و حتی دورترین سرزمین‌های شرقی مانند خراسان می‌شدند تا جدیدترین دست‌آوردهای علمی استادان شرقی را به دست طالبان علم در اندلس برسانند. بی‌شک تذکر داده شده چه در قالب مهاجرت و چه در قالب سیر علمی با مشکلات و سختی‌های فراوان و وصف ناپذیری همراه بودند، اما اشتیاق به آموختن و آموختن همه آن رنج‌ها را ناچیز می‌ساخت. علاوه بر این نظام تکامل یافته‌ی آموزش جهان اسلام به گونه‌ی بود که در بیش تر شهرهای بزرگ که مراکز عمده آموزش نیز به شمار می‌رفتند، امکانات رفاهی برای دانشجویان که از راه‌های دور و نزدیک می‌آمدند فراهم می‌گردید و حرمت برای شان قایل می‌شدند. بنابر برخی گزارش‌ها، در مدارس شهرهای بزرگ اقامتگاه‌ها و حقوق ماهیانه برای این دانشجویان مقرر شده بود. دست‌آورد نهایی این مراودات علمی تبدیل اسپانیا به یکی از قطب‌های علمی جهان اسلام در قرن چهارم و پنجم هجری بود، چنان‌که اندلس در آن زمان در برخی از رشته‌های علمی به بالندگی قابل ملاحظه‌ای رسید. به عنوان مثال در شاخه‌ی علوم اسلامی اندلس یکی از مراکز اصلی فقه ظاهریه و نیز فلسفه شد و دانشمندان و اندیشمندان در این دو رشته ظهور کردند که در عالم اسلام و جهان دانش شهرت یافتند. هم‌چنین در شاخه‌های علوم مختلف و غیر دینی مانند پزشکی، ستاره‌شناسی مسلمانان اندلسی با تألیفات خود دانش اسلامی را پرآوازه ساختند و سهم شایانی در تمدن جهان به عمل آوردند.

### منابع

ابن خطیب، الاحاطه فی اخبار غرناطه، تحقیق محمد عبدالله عنان (قاهره، نشر ۱۴۲۱ق / ۲۰۰۱م)  
ضبی، احمد بن یحیی (۱۴۱۰) بغیه الملتمس فی تاریخ رجال اهل اندلس، بیروت مکتبه الاندلسیه.  
عکاوی، خضر حاب (۱۴۱۵) الموجز فی تاریخ الطب، بیروت: دار المناهل  
گوستاو لیون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه محمد تقی، تهران بنگاه علی اکبر ۱۳۶۴ه  
محمد بن عمر ابن قوطیه، تاریخ فتح اندلس، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد: نشر آستان قدس ۱۳۶۹.  
مونتگمری وات، اسپانیای مسلمان، ترجمه محمد علی طالقانی، تهران بنگاه ترجمه و نشر ۱۳۵۹.  
نجیب عبدالرحمن، حکمت، دراسات فی تاریخ العلوم عند العرب (بی جا، جامعه الموصل، ۱۹۷۶ م)  
همان، کراچکوفکسی، ایگناتی یولیانوویچ، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه ابوالقاسم  
پاینده (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹)

Hernandez, M.C. "EL Probleom de la Autentica Filosofia de Avicena Y su Idea del Destino del Hombre Madrid ۱۹۹۲.  
Fuentes, J.L "Avicena". Enciclopedia Rialap, Editorial Rialp, ۱۹۹۱.



